نام مقاله: جايگاه منابع اطلاعاتي در فرآيند يادگيري دانشجويان دانشگاه فردوسي

نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)

شماره نشريه: 3 \_ شماره سوم، جلد 1

پديدآور: دكتر محمدحسين دياني

مترجم:

چكيده

اين تحقيق به جايگاه منابع اطلاعاتي در آموزش دانشجويان دانشگاه فردوسي پرداخته است. 360 دانشجو كه به روش نظام‌يافته از هشت دانشكده به عنوان نمونه برگزيده شده بودند با اظهارنظر درباره پنجاه زيرپرسش از هفت پرسش اصلي در اين تحقيق شركت كردند. تحليل دادهها كه با استفاده از آمار توصيفي و استنباطي انجام گرفت، مشخص ساخت كه دانشجويان ورودي سالهاي 1372 و 1373 رشته‌هاي علوم تجربي و علوم انساني اين دانشگاه دربارة بسياري از پرسشهاي مطرح‌شده در پرسشنامه توافق‌نظر دارند. بر اساس يافته‌هاي تحقيق، كتاب درسي، محتوي كلاسها، جزوات و كتابخانه به ترتيب رتبه‌هاي اول تا چهارم را به عنوان منابع اطلاعاتي پرثمر در يادگيري ذكر كرده‌اند. دانشجويان بيشتر براي امانت‌گرفتن كتاب به كتابخانه مراجعه مي‌كنند. مجموعه كتابهاي كتابخانه، مجموعه كتابهاي درسي كتابخانه و مجموعه كتابهاي مرجع كتابخانه يا حداكثر 68% امتياز از سودمندي برخوردارند. بالاترين درجة رضايت از منابع اطلاعاتي به محتواي كتاب درسي، محتواي جزوه درسي و محتوي موجودي كتابخانه اختصاص دارد.

مقدمه

در نيمه دوم هر سال، عده‌اي پس از سالها تلاش مداوم، بريدن از زندگي عادي، نگراني، حسرت، دوربودن از خانواده و به‌دور ماندن از اجتماع سرانجام در مسابقه بزرگ و همگاني زندگي پيروز مي‌شوند و به هدف اصلي تحصيل يعني ورود به دانشگاه نايل مي‌شوند و بادنياي اميد به پرديس دانشگاه قدم مي‌گذارند.

در دانشگاه همه چيز متفاوت از دوره ابتدايي، راهنمايي و دبيرستان است. در دبيرستان كتاب درسي، سطح توقع دبير، خانواده و نظام آموزشي و مقصد كاملاً روشن و آشكار است، اما در دانشگاه هيچ كدام از اين موارد روش نيست. كتاب درسي آن‌گونه كه كتابهاي دوره قبلي منظم، برنامه‌ريزي شده و پرحجم بود نيست. در بسياري موارد كتاب درسي وجود ندارد و جزوه‌اي نابسامان، كم‌حجم و گاه غيرخوانا جايگزين كتاب درسي مي‌شود. استاد برخلاف آموزگار و دبير برنامه‌اي منظم براي ارائه ندارد و آن‌گونه كه آموزگار و دبير سازمان‌يافته درس مي‌دهند، درس نمي‌دهند. ساعات تشكيل كلاسها نامنظم‌تر از دوره قبل است. دانشجو با جديّت كمتري در كلاسها حاضر مي‌شود و يادگيري تا دو هفته آخر نيمسال به تأخير مي‌افتد.

دانشجو در دانشگاه نمي‌داند چه چيزي از كتاب يا جزوه يا كتابخانه بايد بياموزد تا در كوتاه‌مدت از نتيجه امتحان و در درازمدت از نتيجه تحصيل در دانشگاه مطمئن باشد. هدف اصلي سطح قبلي قبولي در دانشگاه بود و شرط قبولي پاسخ دادن به چيزهايي بود كه قبلاً يادگرفته شده بود، اما هدف اتمام دوره دانشگاه معلوم نيست و دانشجو نمي‌داند با آنچه كه در دانشگاه به او آموخته مي‌شود يا خود مي‌آموزد بعداً چه خواهد كرد. به بياني ديگر، نه تكليف دانشجو با آنچه بايد بياموزد روشن است و نه استفاده‌اي كه از فراگرفته‌ها خواهد برد، روشن است. بازار كار و معيارهاي استخدام با نوع دانش فراگرفته دانشجو ممكن است مرتبط باشد يا نباشد.

همة اين موارد محيط آموزشي دانشگاه را به گونه‌اي منفي تحت تأثير قرار داده است، تا آنجا كه هيچ كس نمي‌تواند از جو مناسب يادگيري در دانشگاه قاطعانه دفاع كند. هم استاد، هم دانشجو، هم مديران، هم دولت و هم مردم از دانشگاه اظهار نارضايتي مي‌كنند و اين نارضايتي را واقعيهاي موجود اجتماعي توجيه مي‌كند. علي‌رغم اين كه همه ساله هزاران فارغ‌التحصيل دانشگاهي داريم، اما كيفيت زندگي فردي و اجتماعي متناسب با افزايش كمي تحصيل‌كردگان تغيير نمي‌يابد. به بياني ديگر برداشت از خزانه عمومي يا ملي افزايش مي‌يابد، اما متناسب با آن به خزانه عمومي يا ملي واريز نمي‌شود.

مسأله پژوهش

براي اين وضعيت نامطلوب ممكن است دلايل متفاوتي وجود داشته باشد و ممكن است فرضيه‌هاي متفاوتي طرح شود. شلوغي كلاسهاي درس، ساعات تدريس زياد استادان، عدم تأكيد بر تحقيق، وضعيت نابه‌سامان كتابهاي درسي، عدم ثبات در برنامه‌هاي درسي، تفاوتهاي تعيين‌كننده در تواناييهاي دانشجويان، تفاوت محتواي آموزشي با نيازمنديهاي جامعه، عدم توانايي كتابخانه در پاسخگويي به نيازهاي واقعي يا نيازهاي مقطعي دانشجويان، بي‌هدفي نظام آموزشي و ابهام در امكان بهره‌گيري از آموخته‌ها در آينده، ناتواني دانشجو در برقراري تعادل بين نيازهاي روزمره و نيازهاي تحصيلي، نامشخص‌بودن كانالهاي مرجع دريافت يا درك مطالب علمي، تعدادي از دلايل يا فرضياتي هستند كه مطرح مي‌باشند، اما فاقد پشتوانه تحقيقاتي هستند. بررسي و تحقيق درباره هريك از موارد بالا مي‌تواند پاره‌اي از چهره ناشناخته واقعيتهاي نامطلوب آموزش عالي ايران را آشكار سازد.

چون دانشجويان دانشگاه اصلي‌ترين جزء نظام آموزش عالي هستند و ثمرة هر تغيير مطلوب در آموزش عالي تغيير مطلوب در رفتار دانشجويان است، لذا شناسايي منابعي كه عملاً دانشجويان براي كسب دانش به آن روي مي‌آورند و برنامه‌ريزي براي بهبود كميّت و كيفيّت اين منابع از اولويّت ويژه‌اي برخوردار است. اگر مشخص شود كه استاد مهمترين منبع كسب دانش است، تغيير در كميّت و كيفيّت اعضاء هيأت علمي مي‌تواند مورد توجه قرار گيرد. اگر مشخص شود كه كتاب يا جزوة درسي مهمترين منبع كسب دانش است، تغيير در كميت و كيفيت اين دو مي‌تواند مورد توجه قرار گيرد. اگر مشخص شود كه كتابخانه منبعي با اهميت در كسب دانش است، توجه به كتابخانه و افزايش كميّت و كيفيّت خدمات آن مي‌تواند مورد توجه قرار گيرد.

پرسشهاي پژوهش

با توجه به نكات بالا، چهار پرسش از هفت پرسش اساسي كه اين تحقيق درپي پاسخي براي آنها بود عبارت بودند از:

1- دانشجويان دانشگاه فردوسي چه اولويتي براي انواع منابع آموزشي موجود در دانشگاه قائل مي‌باشند؟

2- دانشجويان دانشگاه فردوسي براي بهره‌گيري از چه نوع منابعي به كتابخانه مراجعه مي‌كنند؟

3- دانشجويان دانشگاه فردوسي چه اولويتي براي سودمندي انواع منابع آموزشي موجود در كتابخانه قائل هستند؟

4- دانشجويان دانشگاه فردوسي تا چه ميزان از منابع كسب دانش موجود در دانشگاه رضايت دارند؟

با توجه به پرسشهاي بالا، فرضية زير به عنوان فرضية تحقيق درنظر گرفته شد.

دانشجويان رشته‌هاي علوم تجربي و علوم انساني/ اجتماعي دانشگاه فردوسي، درباره اولويّت منابع اطلاعاتي مناسب آموزش خود، اولويت دلايل مراجعه به كتابخانه، سودمندي منابع اطلاعاتي داخل كتابخانه، رضايت كلي از محتوي منابع اطلاعاتي، اتفاق‌نظر دارند.

روش تحقيق

چون هدف تحقيق سنجش نظرات دانشجويان درباره جايگاه منابع اطلاعاتي در آموزش آنها بوده بالضروره از روش پيمايشي بهره گرفته شد. از طرفي چون تعداد دانشجويان دانشگاه فردوسي بيشتر از آن است كه نظرات، حتي نمونه‌اي از آنها با مصاحبه مورد شناسايي قرار گيرد، براي دريافت نظرات از پرسشنامه استفاده شد. در زير ابتدا پرسشنامه و محتوي آن شرح داده مي‌شود و سپس جامعه و نمونه تحقيق و آمار پاسخها توصيف مي‌شوند.

الف/ ابزار گردآوري اطلاعات

چون هدف اصلي اين تحقيق آگاهي از نظر دانشجويان دانشگاه فردوسي دربارة جايگاه منابع اطلاعاتي موجود در دانشگاه بود، ضرورت داشت كه از پرسشنامه براي گردآوري اطلاعات استفاده شود. پرسشنامه‌اي كه براي اين تحقيق تهيه شد، از هفت پرسش اصلي كه پنجاه زيرپرسش را دربرداشتند تشكيل شده بود. در زيرعلت وجودي چهار پرسش و زيرپرسشهاي مربوطه كه در اين گزارش مورد توجه هستند توجيه شده است.

جايگاه منابع اطلاعاتي در يادگيري

براي اين كه حضور در دانشگاه بتواند در بهبود زندگي اجتماعي، زندگي فردي و آينده تحصيلي مؤثر واقع شود بهره‌گيري از امكانات دانشگاه الزامي است. در اين تحقيق آن قسمت از امكانات دانشگاه كه حاوي، حامل يا ناقل اطلاعات هستند و در اين تحقيق منابع اطلاعاتي ناميده مي‌شوند مورد توجه بود.

منابع اطلاعاتي موجود در دانشگاه به سه گروه عمده تقسيم شدند. منابع اطلاعاتي شفاهي، منابع اطلاعاتي كتبي و منابع اطلاعاتي مشاهده‌اي. مطالبي كه در كلاسها تدريس مي‌شود، گفتگوهاي استادان با دانشجويان در خارج كلاس، مطالبي كه در سمينارها ارائه مي‌شود و گفتگوهاي دانشجويان با دانشجويان در اين تحقيق منابع شفاهي تلقي شده‌اند. مجموعه كتابخانه، كتابهاي درسي، جزوات درسي، مجموعه كتابخانه‌هاي ديگر دانشگاه و مجموعه كتابهاي شخصي منابع مكتوب تلقي شده‌اند. آنچه كه در دانشجويان در آزمايشگاه مي‌آموزند منابع مشاهده‌اي تلقي شده‌اند.

به لحاظ نظري، تركيبي از محتواي همة اين منابع اطلاعاتي سازنده و متحول‌كننده دانشجوست، اما در عمل، همة اين منابع به‌گونه‌اي برابر در فراگيري دانشجو دخالت ندارند. يا امكانات و شرايط حاكم بر دانشگاه منبع اين نابرابري است يا برخي از اين منابع با ويژگيها و روشهاي فراگيري منجر به نتيجه دانشجويان مناسبت بيشتري دارد. براي تعيين جايگاه انواع منابع اطلاعاتي موجود در دانشگاه پرسش اول به شرح زير مطرح شد:

«در دانشگاه روشهاي متفاوتي براي يادگيري وجود دارد. هر دانشجويي بسته به ويژگيهاي شخصي خود برخي روشها را برتر از روشهاي ديگر مي‌داند. لطفاً روشهايي را كه با ويژگيهاي شخصي شما تناسب دارد با گزينش يكي از فواصل بين 0 تا 10 مشخص فرماييد. توجه فرماييد كه 0 بيانگر نامناسبترين و 10 بيانگر مناسبترين روش براي يادگيري شماست».

براي آگاهي از زيرپرسشهاي اولين پرسش به جدول شماره (3) مراجعه فرماييد.

جايگاه منابع اطلاعاتي موجود در كتابخانه

كتابخانه به عنوان يكي ازده منبع اطلاعاتي موجود در دانشگاه خود از منابع اطلاعاتي متفاوتي تركيب شده است و دانشجويان براي دستيابي به اين منابع با بهره‌گيري از ساير امكانات كتابخانه مراجعه مي‌كنند. اين احتمال هست كه برخي از منابع اطلاعاتي موجود در كتابخانه از جايگاهي فراتر برخوردار باشد و بيشتر از موارد ديگر دانشجو را به كتابخانه بكشاند.

كتابخانه مي‌تواند به دو دليل عمده مورد مراجعه قرار گيرد: (1) استفاده از منابع كتابخانه (2) استفاده از محل براي انجام كارهاي ديگر.

امانت مواد، مطالعه روزنامه و مجله، مطالعه كتابها و ساير مواد كتابخانه، بهره‌گيري از امكانات كتابخانه و تحقيق براساس منابع كتابخانه و گاه انجام تكاليف درسي در مفهوم استفاده از منابع كتابخانه جاي مي‌گيرد. مطالعه در سالن كتابخانه، ملاقات با دوستان در سالن كتابخانه و استفاده از كتابخانه براي استراحت جسمي در مفهوم استفاده از محل جاي مي‌گيرد. براي تعيين جايگاه هر يك از موارد بالا پرسش دوم به شرح زير مطرح شد:

«هر دانشجويي گاه‌به‌گاه به دلايل متفاوتي به كتابخانه مراجعه مي‌كند. علل مراجعه شما به كتابخانه بيشتر چه بوده است. لطفاً با گزينش يكي از فواصل بين 0 تا 10 براي هر مورد نظر خود را اعلام فرماييد».

براي آگاهي از ريز‌پرسشهاي دومين پرسش به جدول شماره (4) مراجعه كنيد.

سودمندي منابع اطلاعاتي كتابخانه

دانشجويان براي استفاده از منابع اطلاعاتي متفاوت به كتابخانه مراجعه مي كنند اما منابع اطلاعاتي

متفاوت براي فراگيري منجر به نتيجه اي از سودمندي يكساني برخوردار نيستند. براي تعيين

اولويت و درجه سودمندي منابع اطلاعاتي موجود در كتابخانه پرسش سوم به شرح زير مطرح شد «سودمندي منابع اطلاعاتي را به ترتيب شدت تاثيري كه در پيشرفتهاي اموزشي و تحقيقاتي شما دارند با گزينش يكي از فواصل بين 0 تا 6 براي هر مورد مشخص فرماييد».

براي آگاهي از پرسشهاي سومين پرسش به جدول شماره (5) مراجعه كنيد.

رضايت از منابع اطلاعاتي

با مشخص شدن نظر دانشجويان درباره جايگاه منابع اطلاعاتي و سودمندي بالقوه اين منابع در فراگيري منجر به نتيجه، آگاهي از اولويت و درجه رضايت از منابع اطلاعاتي موجود در دانشگاه، امكان نتيجه‌گيري از تحقيق را ميسير مي‌سازد. پرسش چهارم به شرح زير براي اين منظور مطرح شد:

«رضايت كلي خود از موارد زير با گزينش يكي از عوامل بين 0 تا 9 براي هر مورد مشخص فرماييد».

براي آگاهي از زيرپرسشهاي چهارمين پرسش به جدول (6) مراجعه فرماييد.

ب- جامعه مورد مطالعه

در گزينش جامعه مورد مطالعه معيارهاي زير مورد توجه قرارگرفت.

دانشجويان رشته‌هايي كه براي فارغ‌التحصيلي خود بايد پايان‌نامه بنويسند در دو سال آخر تحصيل خود نسبت به دو سال اول تحصيل به منابع اطلاعاتي، به‌ويژه كتابخانه بيشتر نياز دارند. افزون بر اين انجام تكاليف كلاسي كه معمولاً، نوشتن مقاله‌اي را دربر دارد در دو سال آخر تحصيل بيشتر از دو سال اول تحصيل در دوره كارشناسي مورد تأكيد قرار مي‌گيرد. امتحان نهايي براي فارغ‌التحصيل شدن نيز كه در بعضي رشته‌ها الزامي است انگيزة لازم را براي روي آوردي دانشجويان سالهاي آخر دوره كارشناسي به منابع اطلاعاتي فراهم مي‌آورد. چهارمين معيار، اين است كه پس از دو سال حضور در دانشگاه دانشجويان در بهره‌گيري از منابع اطلاعاتي متفاوت، به تجربه‌اي بيشتر از دو سال اول تحصيل در دانشگاه دست يافته‌اند. بنا به دلايل بالا، جامعة اين تحقيق را دانشجويان سالهاي سوم و چهارم روزانه‌اي تشكيل مي‌دهند كه در نيمسال دوم سال تحصيلي 1375-1376 ثبت‌نام كرده‌اند.

نمونه و توزيع پرسشنامه‌ها

با مراجعه مستقيم به ادارة آموزش هشت دانشكده‌اي كه در سطح كارشناسي دانشجو دارند فهرستي از كل دانشجويان ورودي 1372 و 1373 كه براي نيسمال دوم سال تحصيلي 1376-1375 ثبت‌نام كرده بودند تهيه شد. سه گروه فهرست در اختيار قرار گرفت. دانشكده علوم تربيتي ، تربيت بدني و مهندسي فهرستي مجزا از دانشجويان ورودي 1372 و 1373 در اخيتار قرار دادند. دانشكده‌هاي علوم اداري و اقتصادي، الهيات، علوم، كشاورزي فهرستي مخلوط از دانشجويان ورودي 1372 و 1373 در اختيار قرار دادند و دانشكده ادبيات فهرستي از كل دانشجويان دانشكده براي نمونه‌گيري و ثبت اسامي در محل دانشكده در اختيار قرار داد.

براي هفت دانشكده اول اين امكان وجود داشت كه اسامي دانشجويان يا از كامپيوتر دانشكده دريافت شود و يا آموزش دانشكده براي اجراي وظايف خود اسامي دانشجويان ورودي 1372 و 1373 را بطور مجزا در اختيار داشت. اما در دانشكده ادبيات هيچيك از دو امكان بالا فراهم نبود و پس از پيگيريهاي مداوم، با فاصله زماني دو ماه پس از پخش پرسشنامه‌ها در ساير دانشكده، فهرستي از كل دانشجويان دانشكده ادبيات كه شماره ترتيب نيز نداشت و نام همه دانشجويان وروديهاي متفاوت بطور مخلوط در اختيار قرار گرفت.

ضرورت استفاده از فهرست در محل دانشكده، نمونه‌گيري را براي محقق، دشوار و تا اندازه‌اي نامطمئن ساخت. به همين دليل علي‌رغم تلاش و دقتي كه به عمل آمد، درنهايت نمونه‌اي برابر ده درصد كه كوچكتر از درصد نمونه‌هاي دانشكده‌هاي ديگر بود براي ارسال پرسشنامه انتخاب شد.

همان‌طور كه در كتابهاي آمار، به‌ويژه كتاب Fundamental Research Statistics for Behavioral Sciences نوشته John. T. Toscoe ويرايش 1975 صفحات 182-184 آمده است، توجيه كافي وجود دارد كه نمونه‌اي برابر ده درصد دانشجويان ورودي 72 و73 مناسب تحقيق است. از طرفي چون پاسخ‌دهي به حدود 50 پرسش مطرح شده در پرسشنامه وقت‌گير بود و براي هر پاسخ، پاسخگو مجبور به تفكر بود بهتر دانسته شد كه در توزيع پرسشنامه‌ها دو نكته درنظر گرفته شود:

(1) اسامي دانشجوياني كه به عنوان نمونه انتخاب شده بودند در تابلوهاي عمومي دانشكده مربوطه نصب و رسماً از دانشجويان دعوت شد براي دريافت پرسشنامه به آموزش دانشكده يا ميز امانت كتابخانه دانشكده مراجعه فرمايند و پرسشنامه پر شده را خود به كتابخانه يا آموزش دانشكده تحويل دهند. متناسب با شرايط، در برخي دانشكده‌ها آموزش دانشكده، مثلاً تربيت بدني، شيمي، زيستشناسي و در برخي هر دو مثلاً كشاورزي و علوم تربيتي، براي اين منظور در نظر گرفته شدند.

روشن بود كه با انتخاب اين روش از درصد پرسشنامه‌هاي پرشده‌اي كه به محقق داده مي‌شود كاسته خواهد شد. براي غلبه بر اين مشكل، جز در مورد دانشكده ادبيات كه ميسر نبود، از هفت دانشكده ديگر به جاي نمونه‌اي برابر ده درصد، نمونه‌اي برابر 20 درصد گرفته شد.

آمار دانشجويان جامعة آماري، پرسشنامه‌هاي ارسالي براي نمونه 20 درصدي و پرسشنامه‌هاي پرشده دريافتي از هر دانشكده در جدول شماره (1) ارائه شده است. مشاهده مي‌شود كه جامعه آماري را 3574 دانشجود تشكيل مي‌دادند، براي 671 نفر كه حدود 19 درصد جامعه هستند پرسشنامه ارسال شد و خوشبختانه اندكي بيشتر از ده درصد كل جامعه، پرسشنامه پرشده تحويل محقق شد. بدين ترتيب محقق هم به هدف تعيين‌شده كه دستيابي به نمونه‌اي برابر ده درصد كل جامعه آماري تحقيق بود دست يافت و هم تعداد پرسشنامه‌هاي پرشده هر دانشكده از محدوده 30 نفر كه براي تحقيقاتي مشابه اين تحقيق ضروري است فراتر رفت.

جدول (1) تعداد جامعه، تعداد پرسشنامه‌هاي ارسال‌شده و تعداد پرسشنامه‌هاي دريافت‌شده

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| نام دانشكده | جامعه | | | ارسال شده | | | دريافت شده | | |
| 1372 | 1373 | جمع | 1372 | 1373 | جمع | 1372 | 1373 | جمع |
| ادبيات | 386 | 390 | 758 | 44 | 33 | 77 | 18 | 26 | 44 |
| الهيات | 205 | 200 | 405 | 41 | 39 | 80 | 14 | 24 | 38 |
| علوم اداري | 170 | 163 | 333 | 34 | 32 | 66 | 12 | 15 | 27 |
| تربيت بدني | 39 | 63 | 102 | 15 | 20 | 35 | 15 | 20 | 35 |
| علوم تربيتي | 86 | 105 | 191 | 32 | 34 | 66 | 12 | 15 | 27 |
| علوم | 356 | 354 | 710 | 66 | 65 | 131 | 34 | 38 | 72 |
| كشاورزي | 176 | 228 | 404 | 35 | 46 | 81 | 14 | 21 | 35 |
| مهندسي | 313 | 358 | 671 | 63 | 72 | 135 | 28 | 38 | 66 |
| جمع |  |  | 3574 |  |  | 671 |  |  | 359 |

روش تحليل داده‌ها

در تحليل داده‌هاي اين تحقيق از آمار توصيفي و استنباطي استفاده شده است.

الف. در تحليل داده‌هاي مربوط به پرسشهاي 1 تا 4 سه هدف درنظر بود:

1- مشخص سازيم كه آيا بين پاسخهاي كل دانشجويان، دانشجويان رشته‌هاي علوم تجربي و رشته‌هاي علوم انساني/ اجتماعي ورودي سالهاي 1372 و 1373 همبستگي معني‌دار وجود دارد يا خير. تعريف عملي زير براي اين‌ سه گروه ارائه شد:

الف- كل افراد نمونه.

ب- كل افراد نمونه از دانشكده‌هاي ادبيات، الهيّات، علوم اداري، تربيت بدني و علوم تربيتي. اين گروه در اين تحقيق به اختصار علوم انساني ناميده شد.

پ- كل افراد نمونه از دانشكده‌هاي علوم، كشاورزي و مهندسي. اين گروه در اين تحقيق به اختصار علوم تجربي ناميده شد.

استدلال شد كه اگر اين گروهها درباره پرسشهايي كه از آنها شده است توافق‌نظر داشته باشند،‌‌‌‍‍‍ لازم است كه بين پاسخهاي هر گروه با گروه ديگر همبستگي مثبت و معني‌دار وجود داشته باشد.

براي تعيين ضرايب همبستگي، ابتدا مجموع امتيازات اختصاص داده شده هر گروه به زيرپرسشهاي اصلي محاسبه شد. به عنوان مثال، اولين پرسش اصلي خود داراي ده زيرپرسش بود.

اعدادي كه دانشجويان هر يك از گروهها بر روي طيفهاي ده‌گانة زيرپرسشها قرار داده بودند به كامپيوتر داده شد. مجموعه اين اعداد براي هر ده زيرپرسش اصلي محاسبه شد، بدين‌ترتيب براي پرسش اول ده مجموع زيرپرسش براي علوم انساني و ده مجموع زيرپرسش براي علوم تجربي محاسبه شد. همين روش براي همه گروهها در پرسشهاي 1 تا 4 بكار گرفته شد.

در اين تحقيق، گروههايي كه همبستگي آنها در سطح 95% يا بيشتر معني‌دار بود، گروههايي تلقي شدند كه درباره زيرپرسشهاي هر پرسش اصلي مربوطه توافق‌نظر دارند.

2- هدف دوم از تحليل پاسخها داده شده به پرسشهاي 1 تا 4 اين بود كه مشخص سازيم كل دانشجويان نمونه، كل دانشجويان نمونه علوم انساني،كل دانشجويان نمونه علوم تجربي مورد بررسي چه اولويتي براي محتوي زيرپرسشهاي هر پرسش اصلي قائل هستند.

براي تعيين اولويتها، ابتدا مجموع امتيازات اختصاص داده شده به هر زيرپرسش براي تك‌تك گروههاي مورد نظر محاسبه شد.

به عنوان مثال، در پرسش دوم ده زيرپرسش وجود دارد. جمع امتيازات اختصاص داده شده به هر زيرپرسش براي هر گروه مجزا محاسبه شد. ده مجموع به‌دست‌‌آمده به ترتيب از زياد به كم مرتب شدند. بدين‌ترتيب رتبه هر زيرپرسش در مجموع زيرپرسشهاي مربوطه به خود مشخص شد. اين روش به‌طور مجزا براي هر پرسش و براي كل دانشجويان، كل دانشجويان تجربي و انساني به‌كار رفت و نتايج در جداول مجزا ارائه شد.

3- هدف سوم از تحليل پاسخهاي داده شده به پرسشهاي‌ شماره 1 تا 4 اين بود كه مشخص سازيم اولويتها اختصاص داده شده به هر زيرپرسش، از چه قدرتي بر خوردار است.

چون دامنه امتيازاتي كه دانشجويان ميتوانستند به زيرپرسشها اختصاص دهند و در همه پرسشها يكسان نبود (دامنه تعيين‌شده در پرسش اول و دوم صفر تا ده، در پرسش سوم صفر تا شش، و در پرسش چهارم صفر تا نُه بود تا رتبه‌بندي متناسب با تعداد گزينه‌ها ميسر شود)، ضرورت داشت تا همه امتيازاتي كه به اين ترتيب به‌دست مي‌آيد، به معياري تبديل شود تا امكان مقايسه درجات اختصاص داده شده به زيرپرسشها فراهم آيد. براي دستيابي به

اين مهم:

(1)كل امتيازات اختصاص داده شده به هر زيرپرسش مشخص شد.

(2)كل امتيازات بالقوه‌اي كه مي‌توانست به همان زيرپرسش اختصاص يابد نيز محاسبه شد.

به عنوان مثال، مجموع امتيازاتي كه عملاً 173 دانشجوي رشته تجربي به زيرپرسش ((رضايت از محتوي كتاب درسي)) (پرسش چهارم) اختصاص داده بودند برابر 1137 است. از طرفي چون هر دانشجو بالقوه مي‌توانست 9 امتياز به اين زيرپرسش اختصاص دهد، 173 دانشجو بالقوه مي‌توانستند ‌‌1557= 9×173 امتياز به اين پرسش اختصاص دهند. با در اختيار داشتن جمع امتيازاتي كه عملاً به هر زيرپرسش اختصاص يافته و جمع امتيازاتي كه بالقوه مي‌توانست به همان زيرپرسش اختصاص يابد، محاسبه درصد امتيازات به‌دست‌آورده شده از كل امتيازات متصور، براي هر زيرپرسش ميسر شد.

اين روش براي تك تك زيرپرسشهاي هر پرسش اصلي بكار گرفته شد. از مقايسه درصد‌هايي كه به اين ترتيب براي هر زيرپرسش به‌دست آمد، مشخص گرديد كه هر زيرپرسش از چه قدرتي بر‌خور‌دار است. بر اين اساس قدرت الويت يا درجه رضايت از محتوي كتاب درسي كه در بالا به عنوان مثال ذكر شد، برابر 73% است.

100x1137

73=----------

1557

حال اگر ((رضايت از محتوي كتاب درسي)) اولويت اول را در بين 9 منبع اظلاعاتي معرفي شده در پرسش چهارم به خود اختصاص داده باشد، درست است كه رضايت از منبع اطلاعاتي در اولويت اول است، اما درجه رضايت از اين منبع اطلاعاتي 73% است و نه 100% . بنا‌بر‌اين، مطلوب است كه اقدامي صورت گيرد تا رضايت 73% به 100% نزديك شود.

به شرحي كه در بالا آمد، براي هر يك از پرسشهاي 1 تا 4، ضرايب همبستگي محاسبه تا بر اساس آن‌ها توافق يا عدم توافق گروه‌هاي موردنظر درباره محتوي پرسشها مشخص شود. افزون بر جداول ضرايب همبستگي، براي هر پرسش جدولي مجزا تهيه شد كه در آن اولويت زيرپرسش و درصدي كه بيانگر اهميت هر زيرپرسش است، در آن منعكس است.

بر اين اساس ضرورت داشته است كه براي هر يك از پرسشها 1 تا 4، چهار جدول و براي اين چهار پرسش در مجموع 16 جدول تهيه شود. بديهي است كه پرداختن به اشارات ضمني مطالب تك‌تك جداول اين تحقيق در گزارش كوتاه ميسر نيست، لذا فقط بخشي از اين داده كه با بحثهاي اصلي اين گزارش در ارتباط مي‌باشند در 6 جدول بعد ارائه مي‌شوند، تا با توجه به آنها نكاتي به عنوان نتيجه‌گيري در زير آورده مي‌شود از عينيت بيشتري برخوردار باشد. در بخش نتيجه‌گيري افزون بر توجه مستقيم به تحليل پاسخهاي پرسشهاي 1 تا 4، به مناسبت، مواردي از تحليل پاسخهاي سه پرسش ديگر تحقيق كه مي‌توانسته‌اند بر قوت نتيجه‌گيري بيافزايند آورده شده است.

يافته‌ها و اشارات ضمني تحقيق

مهمترين يافته پژوهش اين است كه دانشجويان ورودي 1372 و 1373 رشته‌هاي علوم تجربي و علوم انساني دانشگاه فردوسي درباره چهار پرسش مورد توجه در اين گزارش توافق‌نظر دارند. اين مورد از ميزان همبستگي بين نمره نظرات اعلام‌شده به‌شرح مندرجات جدول (2) مشخص مي‌باشد.

ضرايب همبستگي بين امتيازات اختصاص داده‌شده به پرسشهاي 1 تا 4 در سه گروه.

جدول (2) كل دانشجويان، دانشجويان تجربي و انساني

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|  | پرسش اول | | پرسش دوم | | پرسش سوم | | پرسش چهارم | |
| كل | انساني | كل | انساني | كل | انساني | كل | انساني |
| انساني | 90% |  | 98% |  | 98% |  | 93% |  |
| تجربي | 77% | 69% | 98% | 93% | 98% | 93% | 89% | 68% |

ضرايب همبستگي همه در سطح 95% و بالاتر معني‌دار مي‌باشند.

به دليل ارتباط بين بحث مربوط به مندرجات جدول (2) با مندرجات جداول (3 تا 6)، ابتدا نظر خوانندگان اين مقاله را به محتواي جداول (3 تا 6) جلب مي‌كند. با دقت در محتوي اين جداول بحث ارائه‌شده راحت‌تر به ذهن راه خواهد يافت.

جدول (3) اولويتها و درصد امتيازات اختصاص‌داده شده به انواع منابع اطلاعاتي

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| زيرپرسش‌هاي اولين پرسش | كل | | انساني | | تجربي | |
| اولويت | درصد | اولويت | درصد | اولويت | درصد |
| كتاب درسي | 1 | 72% | 1 | 68% | 1 | 76% |
| مطالب درسي | 2 | 67% | 3 | 65% | 2 | 68% |
| جزوه درسي | 3 | 65% | 2 | 68% | 2 | 68% |
| مجموعه كتابخانه | 4 | 62% | 4 | 60% | 4 | 63% |
| گفتگو با دانشجويان | 5 | 57% | 5 | 54% | 7 | 59% |
| مذاكره با استادان | 6 | 56% | 6 | 53% | 8 | 53% |
| مجموعه شخصي | 7 | 52% | 7 | 52% | 6 | 60% |
| سمينارها و كنفرانسها | 8 | 46% | 10 | 32% | 9 | 47% |
| آزمايشگاه دانشكده | 9 | 45% | 8 | 45% | 5 | 60% |
| كتابخانه‌هاي ديگر | 10 | 40% | 9 | 44% | 10 | 34% |

جدول (4) اولويتها و درصد امتيازات اختصاص داده شده به دلايل مراجعه به كتابخانه

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| زيرپرسش‌هاي دومين پرسش | كل | | انساني | | تجربي | |
| اولويت | درصد | اولويت | درصد | اولويت | درصد |
| امانت گرفتن كتاب | 1 | 74% | 1 | 73% | 1 | 75% |
| تحقيق | 2 | 58% | 2 | 65% | 4 | 51% |
| مطالعه | 3 | 57% | 3 | 59% | 2 | 65% |
| مطالعه كتاب و جزوه درسي | 4 | 52% | 5 | 49% | 3 | 55% |
| مطالعه روزنامه و مجله | 5 | 49% | 4 | 57% | 5 | 41% |
| مطالعه مواد موجود در كتابخانه | 6 | 41% | 6 | 45% | 6 | 37% |
| انجام تكاليف درسي | 7 | 39% | 7 | 39% | 7 | 36% |
| ملاقات با دوستان | 8 | 23% | 9 | 22% | 8 | 24% |
| امكانات فني كتابخانه | 9 | 20% | 8 | 22% | 9 | 19% |
| استراحت جسمي و ذهني | 10 | 16% | 10 | 17% | 10 | 15% |

جدول (5) اولويتها و امتيازات اختصاص داده شده به سودمندي منابع كتابخانه

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| زيرپرسش‌هاي سومين پرسش | كل | | انساني | | تجربي | |
| اولويت | درصد | اولويت | درصد | اولويت | درصد |
| كتابهاي كتابخانه | 1 | 73% | 1 | 76% | 2 | 71% |
| كتابهاي درسي كتابخانه | 2 | 68% | 3 | 64% | 1 | 74% |
| كتابهاي مرجع | 3 | 59% | 2 | 64% | 4 | 55% |
| برگه‌دان كتابخانه | 4 | 58% | 4 | 59% | 3 | 57% |
| مجلات و روزنامه‌هاي كتابخانه | 5 | 51% | 5 | 58% | 5 | 44% |
| مواد غيرچاپي كتابخانه | 6 | 23% | 6 | 26% | 6 | 19% |
| اطلاعات موجود در كامپيوتر | 7 | 20% | 7 | 20% | 6 | 19% |

جدول (6) اولويتها و امتيازات اختصاص داده شده به رضايت از محتوا و كيفيت منابع اطلاعاتي

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| زيرپرسش‌هاي چهارمين پرسش | كل | | انساني | | تجربي | |
| اولويت | درصد | اولويت | درصد | اولويت | درصد |
| محتوي مجموعه كتابخانه | 1 | 62% | 1 | 69% | 2 | 69% |
| محتوي كتابهاي درسي | 2 | 62% | 2 | 64% | 1 | 73% |
| محتوي جزوات درسي | 3 | 52% | 6 | 52% | 3 | 63% |
| كيفيت خدمات كتابخانه | 4 | 49% | 4 | 54% | 5 | 56% |
| محتوي درس‌ها | 5 | 49% | 7 | 49% | 4 | 60% |
| محتوي مجلات كتابخانه | 6 | 48% | 3 | 55% | 6 | 51% |
| محتوي گفتگو با استادان | 7 | 43% | 8 | 45% | 7 | 50% |
| محتوي روزنامه‌هاي كتابخانه | 8 | 43% | 5 | 52% | 9 | 41% |
| محتوي سمينارها و كنفرانسها | 9 | 30 | 9 | 23% | 8 | 45% |

اولين پرسشي كه داده‌هاي جدول (2) به ذهن مي‌آورد اين است كه آيا نظر يكسان دانشجويان درباره جايگاه منابع اطلاعاتي موجود در دانشگاه بايد مطلوب يا نامطلوب تلقي شود؟

چون 71% از پاسخ‌دهندگان به پرسش ششم اعلام كرده‌اند تحولي كه در تحصيل در دانشگاه در آنها به وجود آورده كمتر از آن است كه متوقع بوده‌اند، چون درصد امتيازات اختصاص داده‌شده به منابع اطلاعاتي موجود در محدوده 70% است و چون درصد امتيازات مربوط به ضرورت تغييرات مطلوب بالاتر از 90% است، ترديدي باقي نمي‌ماند كه توافق نظر موجود بين دانشجويان داراي بار منفي است (اين سه قلم داده مربوط به پرسشهاي 5 تا 7 است كه در اين گزارش مستقيماً به آنها پرداخته نشد و در گزارش ديگري به آنها پرداخته شده است).

پرسشي كه از پرسش و پاسخ بالات ناشي مي‌شود اين است كه توافق نظر موجود بين دانشجويان رشته‌هاي متفاوت تابعي است از واقعيات موجود در دانشگاه يا تابعي است از روشهاي به‌كارگيري اين واقعيات؟

پرسش بالا را با ذكر چند مثال مي‌توان روشنتر طرح كرد. آيا محتوي مجموعه كتابخانه‌هاي دانشگاه از كيفيتي مطلوب برخوردار نيست يا آموزش دانشگاهي نياز به استفاده از مجموعه كتابخانه را خلق نمي‌كند. آيا منابع موجود در كتابخانه‌هاي ديگر دانشگاه منابع سودمندي نيستند يا محدوديتها و مقررات استفاده از كتابخانه مانع بهره‌گيري دانشجويان از منابع ساير دانشكده‌هاست. آيا دانش و توان تدريس استادان مطلوب نيست يا فراگيري منجر به نتيجه دانشجويان از منابع ديگر اهميت استاد را به عنوان يك منبع اطلاعاتي كاهش داده است. آيا محتواي مجلات موجود در كتابخانه‌ها با آنچه كه دانشجويان بايد بياموزند بي‌ارتباط است يا ناتواني دانشجويان در بهره‌گيري از مجلات غيرفارسي و يا ضرورت مطالعه مجلات در كتابخانه از سويي و كوچك بودن كتابخانه‌ها از سوي ديگر از امكان بهره‌گيري از اين منبع اطلاعاتي مهم كاسته است. آيا واقعيتهاي محيط اشتغال دانشجو را نگران كرده است يا محتواي برنامه‌هاي درسي اطمينان لازم را براي موفقيت در كار در دانشجويان به وجود نياورده است. آيا برآوردن خواسته‌هاي دانشگاه از دانشجويان معقول نيست يا محدوديت امكانات مالي دانشجويان موجب شده است كه توقعات آنها از تحصيل در دانشگاه برآورده نشود.

در جدول شماره (3) منبع اطلاعاتي كه چهارمين جايگاه را به خود اختصاص داده است، مجموعه كتابهاي كتابخانه است، اين منبع براي كل دانشجويان علوم انساني در مرتبه چهارم و براي كل دانشجويان علوم تجربي نيز در مرتبه چهارم قرار دارد. به اين ترتيب، مجموعه كتابخانه به عنوان يك منبع اطلاعاتي براي رشته‌هاي علوم انساني و رشته‌هاي تجربي از جايگاه يكساني برخوردار است. اما در هيچ يك از اين دو گروه سطح نامناسبت كتابخانه براي يادگيري از 63% بالاتر رفته است.

اختصاص جايگاه به كتابخانه در بين انواع منابع اطلاعاتي، بايد بيشتر مورد توجه قرار گيرد. يكي از يافته‌هاي مهم تحقيق باقر ثنايي و همكارانش اين است كه كم و كيف كتابخانه در نظام متوسطه نقشي در موفقيت مدارس موفق ندارد. آيا همين امر در دوره‌هاي كارشناسي نيز صادق است؟ (ثنايي، 1374).

در تحقيق ثنايي، دبير مهمترين عامل موفقيت دانش‌آموزان شناخته شده است، اما در اين تحقيق كتاب درسي مهمترين منبع آموزشي محسوب شده است.

دلايل متفاوتي براي مراجعه به كتابخانه عنوان شده است. اين دلايل به ترتيب اهميت عبارتند از: امانت گرفتن كتاب، تحقيق، مطالعه، مطالعه كتابها و جزوات درسي، مطالعه روزنامه و مجله، انجام تكاليف درسي، ملاقات با دوستان و استراحت. براي همة گروهها و همةدانشكده‌ها، غير از دانشكده تربيت بدني، امانت گرفتن كتاب مهمترين دليل مراجعه به كتابخانه است. كوچك‌بودن كتابخانه‌ها، بسته بودن قفسه‌ها به روي دانشجويان، دشواريهاي حاصل از تفكيك محل مطالعه خواهران از برادران را مي‌توان عواملي دانست كه بيشترين دليل مراجعه به كتابخانه به امانت گرفتن كتاب اختصاص داده شده است. نكته پنهاني كه از اين يافته آشكار مي‌شود، اين است كه چون جز در موارد بسيار استثنايي، دانشجويان فقط اجازه دارند كتابها را به امانت ببرند، بنابراين بخش اعظم موادي كه در كتابخانه موجود است، اما امانت داده نمي‌شود بي‌استفاده باقي بمانند. اين نكته در مورد نشريات ادواري، به‌ويژه، مجلات خارجي زبان، بايد مورد توجه قرار گيرد. دانشجويان دليل مراجعه به كتابخانه براي مطالعه روزنامه و مجله را در مرتبه پنجم و رضايت از مجموعه مجلات كتابخانه را در مرتبه ششم قرار داده‌اند. با توجه به سه مورد بالا، به‌يقين، از هزينه بالايي كه براي تهيه مجلات خارجي صرف مي‌شود و هزينه روزافزوني كه براي اشتراك مجلات فارسي صرف مي‌شود در سطح كارشناسي به‌گونه‌اي مطلوب بهره گرفته نمي‌شود. تاكيد بر اهمّيت كتاب درسي و جزوه در همة پاسخها مي‌تواند توجيه ديگري براي عدم توجه به مجموعه كتابخانه بطور اعم و عدم توجّه به مجلات بطور اخص باشد. با توجه به اين‌كه مجلات علمي يكي از مهمترين مجراهاي پخش دانش جديد هستند و با توجه به اين‌كه مباحث مجلات، به‌ويژه، مجلات رشته‌هاي علوم انساني با مسائل روز جامعه در پيوند است، نظري كه دانشجويان درباره مجموعه مجلات كتابخانه‌ها اعلام كرده‌اند حاكي از عدم پيوند قابل لمس بين مطالب درسي و محتوي مجلات است.

در فهرست دلايل مراجعه به كتابخانه، تحقيق در جايگاه دوّم قرار گرفته است. در اين بررسي مفهوم تحقيق، در معني عام آن مطرح شد. بر اين اساس هر نوع مراجعه‌‌اي به كتابخانه، از جمله مراجعه براي امانت گرفتن كتاب، مي‌تواند تحقيق تلقي شود. همين معني عام براي مطالعه نيز درنظر گرفته شد. در اين سطح امانت گرفتن كتاب، تحقيق و مطالعه سه دليل اوليه مراجعه به كتابخانه هستند. اما آنچه در كتابخانه مورد مطالعه قرار مي‌گيرد به ترتيب اولويّت عبارتند از: (1) مطالعة كتابها و جزوات درسي- كتابخانه قراءتخانه است. (2) مطالعه روزنامه و مجلات- كه دليل مراجعه به آنها، سودمندي و رضايت از آنها به ترتيب در رتبه پنجم و ششم قرار دارد و (3) مطالعه مواد موجود در كتابخانه كه سودمندي آنها به ترتيب اولويت عبارتند از: مجموعة كتابهاي كتابخانه، مجموعة كتابهاي درسي كتابخانه و مجموعة كتابهاي مرجع كتابخانه.

استفاده از امكانات فني كتابخانه، مثلاً، دستگاه ميكروفيلم‌خوان و ميكروفيش‌خوان و استفاده از اطلاعات موجود در كامپيوتر كتابخانه در پاسخهاي پرسش دوم در مرتبة نهم، در پاسخهاي پرسش سوم و چهارم در مرتبه ششم و هفتم قرار داده شده‌اند. بنابراين كتابخانه‌هاي دانشگاه فردوسي به لحاظ بهره‌گيري از تكنولوژي اطلاعات در سطح نازلي قرار دارند. به بيان روشنتر، دلائل مراجعه به كتابخانه براي بهره‌گيري از اين نوع منابع و سودمندي اين نوع منابع در همه موارد زير 25% مشخص شده است. اين درصد كمتر از دلايل مراجعه به كتابخانه براي ملاقات با دوستان و هم‌طراز درصد مراجعه به كتابخانه براي استراحت جسمي و ذهني است.

با توجه به موارد بالا، دلايلي وجود دارد كه فرضيه تاثير كم و كيف كتابخانه در موفقيت تحصيلي دوره كارشناسي را تضعيف كند.

هدف از طرح و ارائه شواهد براي اين فرضيه كاستن از اهميت كتابخانه به عنوان يك منبع اطلاعاتي براي يادگيري نيست، بلكه توجه دادن به ضرورت روي‌آوري به محتوي و شيوه‌هاي آموزشي متفاوت مدنظر است، پذيرفته شده است كه ارتباط‌هاي انساني و اجتماعي محيط دانشگاه مي‌تواند تأثير تعيين‌كننده بر شكل‌دهي شخصيت فردي و اجتماعي دانشجويان داشته باشد. سه گروه ارتباط غيررسمي كاملاً شناخته شده در دانشگاه، ارتباط بين دانشجويان، ارتباط بين دانشجو و استاد در خارج از كلاس و ارتباط بين دانشجو و پژوهشگران در سمينارها و كنفرانسهاست. اين سه به ترتيب رتبه‌هاي پنجم، ششم و هشتم را به خود اختصاص داده‌اند. دانشجويان 57% از امتيازات را به گفتگو با دانشجويان، 56% از امتيازات را به گفتگو با استادان در خارج كلاس و 46% از امتيازات را به سمينارها و كنفرانسها اختصاص داده‌اند.

دامنه درصد امتيازات دانشكده‌ها به سمينارها بين 41% تا 56%، دامنه درصد امتيازات دانشكده‌ها به گفتگو با دانشجويان بين 49% تا 63% و دامنه درصد امتيازات دانشكده‌ها به مذاكره با استادان در خارج از كلاس بين 44% تا 63% است. به اين ترتيب سمينارها، و كنفرانسها به عنوان يك منبع اطلاعاتي يادگيري در ميان دانشجويان كارشناسي از جايگاه مطلوبي برخوردار نيست.

آزمايشگاه دانشكده، در كل دانشگاه به لحاظ مناسبت براي يادگيري، در جايگاه نهم قرار گرفته است. اين مورد براي رشته‌هاي علوم انساني رتبة دهم و براي رشته‌هاي علوم تجربي رتبه نهم را به خود اختصاص داده است. در دانشكده علوم، كشاورزي و مهندسي به ترتيب رتبه ششم، هفتم و پنجم، در علوم تربيتي رتبه هفتم و در ساير دانشكده‌ها رتبه دهم به آزمايشگاه اختصاص يافته است. نكتة قابل توجه دربارة آزمايشگاه اين است كه دانشكدة علوم تربيتي در مقايسه با ساير رشته‌هاي علوم انساني به آزمايشگاه جايگاه برتر اختصاص داده است. در اين دانشكده هم آزمايشگاه روانشناسي قعال است و هم كارگاه كتابداري، به احتمال، وجود اين دو موجب شده است كه دانشجويان اين دانشكده جايگاهي بسيار نزديك به جايگاه سه دانشكده علوم، كشاورزي و مهندسي براي آزمايشگاه دانشكده تعيين كنند.

آخرين جايگاه در بين منابع اطلاعاتي به مجموعة كتابخانه‌هاي ديگر اختصاص يافته است. اين منبع اطلاعاتي براي تمام گروهها و براي تمام دانشكده‌ها، غير از گروه تجربي در رتبه هشتم تا دهم قرار دارد. گروه علوم تجربي به اين منبع اطلاعاتي رتبه سوم را اختصاص داده است. اين احتمال وجود دارد كه وضعيت ويژه كتابخانه‌هاي دانشكده علوم در ارتقاء اين منبع اطلاعاتي به رتبه سوم مؤثر باشد. دانشكده علوم، عملاً، در چهار ساختمان قرار دارد. دانشجويان فيزيك در يك ساختمان، دانشجويان رياضي و آمار در يك ساختمان، دانشجويان شيمي در يك ساختمان و دانشجويان زيست‌شناسي در ساختماني ديگر. دو مورد از اين ساختمانها داراي كتابخانه هستند و دو مورد فاقد كتابخانه. دو موردي كه كتابخانه دارند نيز، كتابخانه‌اي واحد داشته‌اند كه به دو كتابخانه تقسيم شده‌اند. در چنين شرايطي، براي دانشجويان دانشكده علوم، احتمالاً، مفهوم كتابخانه‌هاي ديگر، كتابخانه‌هاي موجود در ساختمانهاي متفاوت اين رشته‌هاست.

نكتة قابل توجه در مورد عدم تناسب كتابخانه‌هاي ديگر براي يادگيري، اين است كه دانشجويان هر دانشكده، عملاً خود را به بهره‌گيري از مجموعه يك كتابخانه محدود كرده‌اند و از سرمايه علمي عظيمي كه در دانشكده‌هاي ديگر وجود دارد و به احتمال زياد مي‌تواند مورد استفاده آنها باشد استفاده نمي‌كنند. اين واقعيت در دوراني كه تكنولوژي اطلاعاتي، بهره‌گيري از همه منابع موجود در كتابخانه‌ها را ميسر ساخته است و اصل اشتراك در منابع را بر اصل مالكيت بر منابع اولويت بخشيده است، بسيار نامطلوب است. اين مورد به‌ويژه، دربارة منابع خارجي كه همه ساله ميليونها تومان صرف تهية آنها مي‌شود قابل توجه است. دو دليل اساسي مي‌توان براي عدم استفاده از مجموعه كتابخانه‌هاي ديگر عنوان كرد.

1- عدم بكارگيري تكنولوژي اطلاعات در كتابخانه‌ها، اين امكان را فراهم نياورده است كه دانشجويان يا استادان هر دانشكده‌اي از موجودي ساير كتابخانه‌ها مطلع شوند. فراهم آوردن امكانات اوليه- سخت‌افزار و نرم‌افزار- كتابخانه‌اي مناسب مي‌تواند به رفع اين مانع كمك كند.

2- كمبود فضاي مناسب در كتابخانه‌هاي دانشگاه فردوسي، امكان استفاده دانشجويان از كتابخانه‌هاي ديگر را غيرممكن ساخته است.

در حالي كه در بسياري از دانشگاهها هم ساختمان مناسب براي كتابخانه مركزي و هم ساختمانهاي مناسب براي كتابخانه‌هاي دانشكده‌ها بنا شده است، اما در دانشگاه فردوسي حتي در دانشكده‌هاي نوبنياد مهندسي و شيمي ساختماني شايسته براي كتابخانه در نظر گرفته نشده است.

مقايسة ساختمان كتابخانه ميرزاي شيرازي در شيراز، كتابخانة دانشكده مهندسي در دانشگاه شهيد چمران اهواز، كتابخانة دانشكده ادبيات دانشگاه اصفهان با ساختمانهاي كتابخانه‌هاي دانشگاه فردوسي، عمق ضرورت اقدام اساسي براي رفع اين مشكل را آشكار مي‌كند.

برخي نكات كه از تحقيق برمي‌آيد

بين محتواي كلاسها و محتواي مجموعه كتابخانه پيوند زده شود تا كتابخانه با جايگاهي فراتر از كتاب درسي و به ويژه جزوه درسي ارتقا يابد.

امكانات سخت‌افزاري و نرم‌افزاري كتابخانه تقويت شود تا آگاهي از همه منابع موجود در كتابخانه‌هاي دانشگاه ميسر شود.

مقررات و امكانات را به گونه‌اي تغيير يابند كه بهره‌گيري بهينه از همه كتابخانه‌ها توسط همه دانشجويان ميسر شود.

به كميت و كيفيت سمينارها توجه شود، فعّاليّتهاي فوق‌برنامه مورد تأكيد قرار گيرد، نشستهاي غيررسمي بين استادان و دانشجويان ترغيب شود و مورد حمايت قرار گيرد تا امكان مبادلة دانش‌ها و اطلاعات روزآمد كه هنوز به كتاب درسي، جزوات درسي و ساير منابع موجود در كتابخانه راه نيافته ميسر شود.

برنامه‌ريزي براي بناي ساختمان كتابخانة مركزي و كتابخانه‌هاي دانشكده‌هاي دانشكده‌اي جدا مورد توجه قرار گيرد تا قراءتخانه‌ها و كتابخانه‌هاي اماني فعلي دانشگاه فردوسي به محلي براي تحقيق، تفحص، بحث و جدل علمي تبديل شود.

منابع

باقر ثنايي، ستيلا علاقبند و حسن پاشا شريفي. «عوامل آموزشي مؤثر در شكست تحصيلي». پژوهشهاي تربيتي. ج3، ش 3و4 (1374): 33-63.